

کارکردهای شفقت در اخلاق سیاسی اسلام با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

سید کاظم سیدباقری / دانشیار گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

sbakeri86@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-4856-1726

nazarim3170@yahoo.com

محمد نظری / استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی زابل



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

چکیده

یکی از اصول مهم در اخلاق سیاسی اسلام، اصل «شفقت» نسبت به شهروندان است. در سایه این اصل، میان مردم و زمامداران همبستگی و همدلی ایجاد می‌شود و سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. از نگاه اسلام، کارگزاران نظام اسلامی باید نسبت به مشکلات افراد جامعه حساس باشند و سختی‌های مردم را رنج خود بدانند. همدردی، همدلی، همکاری محبت‌آمیز و تعاطف، ارزش‌های برآمده از وجود شفقت در جامعه هستند. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی کارکردهای شفقت در اخلاق سیاسی اسلام با تکیه بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با لحاظ تمهیدات نظری، مانند ابعاد شفقت فردی و سیاسی، گنجایش‌های قوه خیال، دوری از خودمحوری و احساس مسئولیت، می‌توان کارکردهای شفقت را در همدلی و همدردی سیاسی، جذب حداکثری، عفو و کینه‌زدایی، افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی، سعه صدر و شکیبایی و افزایش خیرخواهی سیاسی شهروندان ردیابی کرد که هر کدام در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز حضوری آشکار دارند.

کلیدواژه‌ها: شفقت، همدلی، همدردی اجتماعی، اخلاق سیاسی، سرمایه اجتماعی، آیت‌الله خامنه‌ای.

«شفقت» و «شفقت‌درمانی» از طریق مهربانی به خود و دیگران، از مباحث جدید و پربسامد در ادبیات روان‌شناسی فردی و اجتماعی است و در پژوهش‌های جدید، وجوه روان‌درمانی و روحی آن مدنظر بسیار قرار گرفته است. در مکاتب و مذاهب گوناگون، این مهم مطمح‌نظر واقع شده است. برای نمونه، در مکتب بودیسم «شفقت» اصلی اساسی به شمار می‌رود و در آن بر گسترش شفقت، زندگی شاد و نگرش مثبت ذهنی و پرورش نگرش دلسوزانه تأکید می‌شود؛ امری که به رفتار صمیمانه با دیگران منجر می‌گردد و البته وارد عرصه سیاسی نمی‌شود. اما در اندیشه اسلامی، «شفقت» وجوه فردی، اجتماعی و سیاسی دارد.

از منظر اخلاق سیاسی اسلامی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حاکمان در نظام سیاسی، شفقت به مردم است. در منابع دینی، حاکم شایسته اسلامی باید نسبت به شهروندان، مشفق، مهربان و خیرخواه باشد؛ نسبت به مشکلات و گرفتاری‌های مردم حساس باشد و رنج دیگران را رنج خود بداند.

وجود این خصیصه باعث ایجاد انگیزه خیررسانی به دیگران و برطرف کردن سختی آنان می‌شود. از سوی دیگر مردم را نسبت به حاکم خوش‌بین می‌کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام به مالک / ائستر سفارش می‌کنند که با مردم و ساکنان مصر با شفقت و رأفت رفتار نماید: «وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَتَتَبِمُ أَكْلَهُمْ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳)؛ قلب خود را نسبت به مردم، پر از رحمت و محبت و لطف کن و نسبت به آنان همچون حیوان درنده‌ای نباش که خوردن آنها را غنیمت بشمرد.

در اخلاق سیاسی اسلامی یکی از بهترین کارها رعایت انصاف و همدردی با برادر دینی در راه خداست: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مَوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۴). امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به کمیل، شرف مؤمن را شفقت معرفی می‌کنند: «شَرَفُهُ الشَّقَقَةُ» (طبری املی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۲۶) و در حکم منسوب به ایشان، یکی از نشانه‌های دیندار محفوظ را شفقت بر رعیت می‌دانند که قدرتش را با خشونت به کار نمی‌گیرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۵۵).

در سخنان امام صادق علیه السلام آمده است که خدای متعال فرمود: «مردم عیال من هستند. پس محبوب‌ترین آنها نزد من کسی است که با آنان مهربان‌تر و در برآوردن نیازهایشان کوشا‌تر باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۹). امام زمان علیه السلام از خداوند می‌خواهند که در کنار عدالت، به حاکمان و زمامداران شفقت نسبت به مردم تفضل فرماید: «وَ عَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّقَقَةُ» (کفعمی عاملی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۸۱). از این‌رو «در اسلام، شفقت و همدلی و مهربانی یکی از دستورهای عمده است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۰۹/۳۰). این مهم همواره در سیره و روش پیشوایان دین جایگاهی والا داشته است.

در سیره عملی و علمی مقام معظم رهبری، به عنوان کسی که چندین دهه در مصدر امور بوده و تجربه حکمرانی دارد، این ویژگی برجسته است. باید این روحیه در تمام مسئولان، در حوزه‌های گوناگون از حد شعار، خارج

و به مرحله عمل گذاشته شود تا جامعه اسلامی از برکات و آثار آن بهره‌مند گردد. به بیان ایشان، «باید روحیه محبت، وحدت، همگرایی و پیوند میان مردم تقویت شود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۰۹).

با توجه به این نکات، این مقاله در جست‌وجوی جایگاه شفقت در اخلاق سیاسی اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب است. در فرضیه نیز بر این موضوع تأکید شده است که با توجه به تمهیدات نظری (مانند بررسی ابعاد شفقت، ظرفیت‌های قوه خیال، دوری از خودمحوری و مسئولیت‌شناسی اخلاقی) می‌توان کارکردهای شفقت را در همدلی و همدردی سیاسی، جذب حداکثری، عفو و کینه‌زدایی، افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی، سعه صدر و شکیبایی، و افزایش خیرخواهی سیاسی شهروندان رصد کرد که هر کدام در سیره، گفتار و اندیشه *آیت‌الله خامنه‌ای* حضوری برجسته دارند. این مهم با روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به نصوص اخلاق سیاسی اسلام و کلمات *آیت‌الله خامنه‌ای* به انجام رسیده است.

در موضوع «شفقت» تحقیقاتی انجام شده که به آثار فردی و اجتماعی آن اشاره کرده است؛ نظیر «آثار تربیتی شفقت در حوزه فردی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات» (ورزنه و همکاران، ۱۳۹۷). در این مقاله نویسندگان به بررسی مهارت‌های شفقت و آثار تربیتی آن در ساحت‌های اعتقادی، احساسی، عاطفی و اخلاقی در دو حوزه فردی و اجتماعی پرداخته و معتقدند: شفقت موجب تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر در جهت بهزیستی، التیام روحی، همدردی و همدلی می‌شود.

در پژوهش‌هایی نیز شفقت از منظر روان‌شناسی بررسی شده است؛ همچون مقاله «مروری بر اهمیت شفقت‌ورزی در امنیت جامعه» (اصلانی و اسکندری، ۱۳۹۷) که در آن نویسندگان شفقت‌ورزی را یکی از مفاهیم نوپا در روان‌شناسی می‌دانند که موجب گسترش دانش در زمینه سلامت روان و روابط فردی شده است و بر این باورند که شفقت به‌طور کلی یک سازه چندبعدی و دارای چهار جنبه اصلی شناختی، هیجانی، اندیشناکی و انگیزشی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در زمینه جایگاه شفقت در اخلاق سیاسی اسلام تا کنون پژوهشی انجام نشده و این تحقیق از این نظر جدید است، خاصه آنکه این تحقیق با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب صورت گرفته است.

۱. بررسی مفاهیم کاربردی

۱-۱. شفقت سیاسی و عرصه‌های آن

«شفقت» از ریشه «شفق» گرفته شده است. در *العین* می‌خوانیم: «شفق» به معنای ترس است: «الشفق: الخوف» و شفقت به آن است که فرد خیرخواه و دلسوز نسبت به دیگری ترسان است و بیمناک از آنکه مبادا به او سختی وارد شود: «الشفقة: أن يكون الناصح من النصح خائفاً على المنصوح، و أشفقت عليه أن يناله مكروه» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۵).

در *المفردات* آمده است: «شفق» درهم‌آمیختگی روشنایی روز با تاریکی شب به هنگام غروب است. در قرآن کریم آمده است: «فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ» (انشقاق: ۱۶). از همین واژه، «اشفاق» گرفته شده که به معنای اعتنا، التفات و مهربانی همراه با ترس است؛ زیرا مشفق فرد مقابل را دوست دارد و نسبت به وضع او بی‌مناک است. در قرآن گاه «اشفاق» با «من» متعدی شده که خوف در آن آشکارتر است؛ مانند «وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء: ۴۹)، و گاه با «فی» همراه است که معنای عنایت و التفات در آن نمود بیشتری دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۸)؛ مانند «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» (طور: ۲۶). نهایت خیرخواهی در این واژه نهفته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۸۰).

در *اخلاق ناصری* نیز به این معنا اشاره شده است که «شفقت آن بود که از حالی غیرملایم که به کسی رسد مستشعر بود و همت بر ازاله آن مقصور دارد» (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰؛ نیز ر.ک: محقق سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۳۱۱). علامه طباطبائی هم به معنای دوست داشتن همراه با بیم از قرار گرفتن فرد در معرض آسیب اشاره می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۹).

به‌هرحال، در این لغت، مهر و نگرانی در کنار هم وجود دارد و نگرانی برخاسته از مهربانی فرد است. مفاهیم گوناگونی در اندیشه اسلامی وجود دارد که هم‌افق با شفقت است؛ مفاهیمی مانند رأفت، محبت، خلّت و مودت که هر کدام به بخشی از معنا و مفهوم شفقت دلالت می‌کند. برای نمونه، واژه «محبت» که نزدیکی بیشتری با شفقت دارد، در مقابل «بغض» است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۸۹) و بیشتر به معنای دوست داشتن است: «أَحْبَبْتُ فَلَانًا: جعلت قلبی معرضاً لِحَبِّه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۵)؛ یعنی دلم را در معرض دوستی او قرار دادم.

همچنین «مودت» نیز به معنای محبت و تمنا و در آرزوی چیزی بودن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۰). «مودت» گرایش و تمایل به چیزی است که مرتبه‌ای ضعیف و عمومی از محبت است (مصطفوی، ۱۳۹۹، ج ۱۳، ص ۶۳). به نظر می‌رسد که در محبت و مودت، احساس ترس و نگرانی وجود ندارد. از این‌رو شفقت فراگیرتر از محبت و مودت است که علاوه بر محبت، در خود، نگرانی، دلسوزی و تلاش برای رفع مشکلات نیز دارد. شیخ احمد ژنده‌پیل نیز در نوشته خود در قرن ششم، «شفقت» را به «رحمت» ترجمه کرده و آن دو را در کنار هم به کار برده است و در ترجمه پارسی خبری از رسول‌الله ﷺ می‌گوید:

به‌درستی که ابدان امت من در بهشت نشوند به بسیاری روزه و نماز، ولكن در بهشت شوند به رحمت خدای عزوجل، و به سخاوت تن، و به رحمت و شفقت بر جمله مسلمانان (ژنده‌پیل، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳).

بر همین روال، لفظ فارسی «مهربانی» و «مهر» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه)، و «دلسوزی» (معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه) که در معنای «شفقت» بیان شده نیز انعکاس‌دهنده همه معنای «شفقت» نیست، هرچند گاه در فارسی از این واژگان به جای شفقت استفاده می‌شود. از این‌رو گاهی برای بیان ابعاد این بحث از دیگر واژگان نیز استفاده شده، هرچند تلاش بر آن است که از واژه «شفقت» استفاده شود.

اصل آموزه «شفقت» در اندیشه و فرهنگ اسلامی دایره معنایی ویژه‌ای دارد و کمتر می‌توان نظیر آن را در مکاتب دیگر یافت. با این‌همه، این سخن به معنای آن نیست که شفقت در مکاتب غیراسلامی مطرح نشده، هرچند همه زوایا و عمق فرهنگ اسلامی را دارا نیست. در دانش روان‌شناسی، «شفقت» حالت و نگرشی است که مجموعه خاصی از احساسات، افکار، انگیزه‌ها، خواسته‌ها، تمایلات و رفتارهایی را دربر می‌گیرد که می‌تواند نسبت به هر موجود زنده‌ای، خود، شخص دیگری، گروهی از مردم، جامعه، حیوانات یا محیط زیست ابراز شود (سائولسمن و کمپبل، ۲۰۱۷، ص ۱۷).

یکی از کسانی که درباره شفقت پژوهش کرده است، کریستین نف است. وی «شفقت» را این‌گونه تعریف می‌کند: «شفقت» عبارت است از: شناخت و درک واضح رنج دیگران، احساس مهربانی برای آنان که رنج می‌برند، به‌گونه‌ای که در فرد میل به کمک برای بهبود رنج پدیدار می‌شود. این امر همراه با شناخت شرایط مشترک انسانی و فهم نقص‌ها و کاستی‌هاست، آن‌گونه که هستند (نف، ۲۰۱۱، ص ۱۰).

گیلبرت بر این باور است که شفقت، مهربانی و دلسوزی بنیادین، با آگاهی عمیق از رنج خود و سایر موجودات زنده، همراه با آرزو و تلاش برای تسکین آن است (گیلبرت، ۲۰۰۹، ص ۱۳).

شفقت گاه حالت فردی دارد. در این حالت، حتی التفات و توجه به دیگران به خود انسان برمی‌گردد و وقتی از شفقت به خود صحبت می‌کنیم - درواقع - این لطف به صورت درونی به سمت خودمان هدایت می‌شود و از آن به «خودشفقتی» (Self-compassion) تعبیر می‌شود. این نوع شفقت می‌تواند مسیر فراگیر شدن این فضیلت را در جامعه و سیاست هموار سازد. از این‌رو بسترسازی برای تربیت و پرورش شهروندان شفقت‌دار، گام نخست برای رسیدن به جامعه و سیاست مشفق است. این مهم از سیاستمدار به جامعه ریزش می‌کند.

در مرحله بعد، شفقت، مربوط به دیگران و اطرافیان، اعم از اعضای خانواده، همکاران و افراد گوناگون جامعه است که از آن به «شفقت اجتماعی» تعبیر می‌شود. این قسم از شفقت مفهومی عام است که به نوع تعاملات مهرآمیز، همدلی و همدردی شهروندان با یکدیگر و تلاش برای فهم کاستی‌های دیگران مرتبط می‌شود و همه عرصه‌های اجتماعی، اعم از فرهنگ، سیاست و اقتصاد را شامل می‌شود.

اما این نوشته به شفقت سیاسی می‌پردازد که دارای اهمیتی والاتر از دیگر عرصه‌هاست؛ زیرا سیاستمدار امکانات و اختیارات بسیاری در اختیار دارد و سیاست دایره‌ای گسترده را شامل می‌شود. مراد از «شفقت سیاسی» در این مقاله آن است که دولت اسلامی از روی همدلی، همدردی و همراهی با شهروندان، نگران سرنوشت آنان باشد و با خیرخواهی، امیدآفرینی و اصلاح امور، در جهت پیشگیری و کاهش رنج‌ها و مشکلات مردم بکوشد و تعاملات خود را با آنان به‌صورت همدلانه سامان دهد تا آنان بتوانند در فرایند سیاسی امور اثرگذار باشند. این شفقت گاه مربوط به مهربانی مردم با کارگزاران، گاه کارگزاران با مردم و گاه کارگزاران با یکدیگر است.

با توجه به آنچه بیان شد، در شفقت چند عنصر وجود دارد:

اول. آگاهی است. در این عنصر انسان درک می‌کند که نوعی درد و رنج وجود دارد، خواه روحی باشد یا جسمی؛

دوم. همدلی و تلاش برای تجربه درد دیگران است؛

سوم. نگرانی نسبت به دیگران است؛

چهارم. تمرکز انرژی خود بر راه‌هایی برای کاستن درد و ارائه راهکارهایی برای رسیدن دیگران به آرامش بیشتر.

۱-۲. مسئولیت‌شناسی اخلاقی و شفقت

شفقت سیاسی و مسئولیت‌شناسی اخلاقی در کنار هم و با هم‌اند. در شفقت توجه و عنایتی است که با نگرانی و احترام، معرفت و احساس مسئولیت آمیخته است؛ نظیر شفقت والدین به فرزندان (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۹۲). حاکم شدن ارزش‌های اخلاق سیاسی (مانند باور به مسئولیت، امانتداری و گنججوری حاکمان، تلاش برای تأمین مصالح کلان جامعه اسلامی و اجرایی شدن آموزه‌های اخلاقی) می‌تواند کاربرد قدرت را به سمت و سوی شایسته هدایت کند.

در فرهنگ سیاسی مطلوب از منظر اخلاق سیاسی، شفقت به همنوع به جای سودپرستی و سوداندیشی می‌نشیند. تکیه بر وجدان اخلاقی، راستگویی و وفاداری، آزادی مسئولانه، رفتار عادلانه و فرهنگ پرهیز از چاپلوسی، تحریف و تخریب، جایگزین گریز از مسئولیت‌شناسی و سودگرایی و فایده‌انگاری می‌شود و فرهنگ سیاسی به یاری اخلاق، بنیادی ارزش‌مدار و حقیقت‌محور می‌یابد.

نبود شفقت کارگزاران و حاکمان را گرفتار بی‌خیالی و نبود احساس مسئولیت در قبال دشواری‌ها و مشکلات شهروندان می‌کند و رنج آنان را به دنبال می‌آورد، و حال آنکه التزام اخلاقی به این اصل، انسان را حساس می‌سازد و از کرختی اخلاقی دور می‌کند.

مسلمان‌ها نسبت به یکدیگر، باید با علاقه و دلسوزی و بدون ذره‌ای بی‌تفاوتی، سروکار داشته باشند. نباید از کنار مشکلات، بی‌تفاوت گذر کرد. یکی از فصول زندگی رسول اکرم ﷺ این بود که این فضای بی‌تفاوتی را به فضای محبت و همکاری و برادری و ایجاد یک مجموعه همکار با یکدیگر تبدیل کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸).

چیره شدن این جمله مشهور و غیراخلاقی که «به من چه؟» یا «به من ربطی ندارد»، می‌تواند نشان از سستی اخلاق در جامعه و عرصه سیاسی باشد، و حال آنکه در اندیشه و ادبیات دینی اسلام، این ردیلت نفی گردیده و از مسلمانان خواسته شده است تا نسبت به جامعه خویش، بی‌خیال نباشند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره وظیفه عالمان می‌فرماید: «خداوند بر عالمان لازم کرده است که در مقابل شکمبارگی ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده ساکت نباشند و بدان رضایت ندهند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳). این امر با وجود قدرت سیاسی و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری گوناگون آن، اهمیت دوچندان می‌یابد. رهبر معظم انقلاب معتقد است:

محیط جامعه باید محیط تراحم و تعاطف باشد. همه افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کنند: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتته»؛ همه شما راعی هستید؛ یعنی رعایت‌کننده. همه شما مسئول از رعیتان هستید؛ یعنی آن کسی که مورد رعایت شما باید قرار بگیرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

حاکم و مسئول مشفق سعادت خود را در گرو خوشبختی دیگران می‌بیند و نسبت به رنج و درد جامعه بی‌تفاوت نیست، بلکه همواره تلاش می‌کند با مردم جامعه ارتباط عمیق برقرار سازد. خداوند در قرآن کریم به این صفت پیامبر اکرم ﷺ اشاره می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸)؛ به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.

آیت‌الله خامنه‌ای ذیل این آیه چنین بیان کرده است:

بر پیغمبر، سختی‌ها و رنج‌های شما دشوار است؛ نمی‌تواند رنج‌های مسلمین و جامعه اسلامی را به راحتی تحمل کند. «حریصٌ علیکم»؛ نسبت به سعادت و سرنوشت شما به شدت علاقه‌مند است، بی‌تفاوت نیست در مقابل سرنوشت مسلمان‌ها. «بالمؤمنین رؤوفٌ رحیم» و نسبت به مؤمنین دارای رأفت و رحمت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۵/۸/۱۰).

به بیان دیگر، مسلمان‌ها نسبت به یکدیگر باید با علاقه و دلسوزی و بدون ذره‌ای بی‌تفاوتی، سروکار داشته باشند. همکاری و همدردی و دلسوزی و محبت متقابل بین مسلمان‌ها یکی از کارهای بزرگ رسول اکرم ﷺ بود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۷/۲۸). با توجه به محوریت این مهم، پیامبر اکرم ﷺ از یک سو می‌فرمایند که «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالرَّحْمَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ص ۱۵۹)؛ خداوند مرا به رحمت برانگیخت. از سوی دیگر چون مشفق است، احساس مسئولیت می‌کند و رأفتش اختصاص به قبیله‌ای خاص ندارد. قرآن کریم درباره مهربانی رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۳)؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی به خاطر اینکه آنان ایمان نمی‌آورند.

همچنین خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند (کهف: ۶). این تعبیر خدای متعال نسبت به پیامبرش، نشان از اوج شفقت و مهر حضرت نسبت به مردم دارد. در فرهنگ و اخلاق اسلامی، مردم، «رعیت» - به معنای دقیق کلمه - هستند؛ یعنی کسی که مراعاتش لازم است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷).

از این رو براساس منطوق و ادبیات اخلاق سیاسی اسلام، در همه مراحل (قوانین، برنامه‌ها، تصمیم‌ها و مقررات) دولت اسلامی مسئولیت دارد که حال و شرایط مردم را رعایت کند.

۳-۱. قوه خیال و دوری از خودمحوری

شفقت، مهربانی، نیکخواهی، همدلی و همدردی با دیگر انسان‌ها، نشانی بنیادین از حضور اخلاق در جان و نهاد قدرتمند است. «شفقت و مهربانی از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی و از توصیه‌های اسلامی است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۹/۳۰).

قدرتمندانی که این خصلت را داشته باشند، در درون خود به اعتدال میان چند قوه دست یافته‌اند؛ امری که

می‌تواند مهربانی را در اجزا و ارکان نظام سیاسی به جریان اندازد و حرکت جامعه را در فراگیری آموزه‌های اخلاقی، سرعت بخشد. با قوه خیال، انسان توان می‌یابد تا خود را به جای دیگران قرار دهد و با احساسات، آرزوها، خواسته‌ها، دردها و رنج‌ها، شادی‌ها و حرمان‌های آنان همراهی کند. حکمرانی که دارای قدرت اندیشه و تخیل برای همدلی و مهربانی به دیگران نیست، نمی‌تواند از رفتار و نتایج تصمیمات خود ارزیابی دقیقی داشته باشد.

قوه خیال به افراد، قدرت همراهی و همدلی می‌دهد. یکی از مراتب سه‌گانه نفس، مرتبه خیالی انسان است. مبادی تمام افعال اختیاری انسان متشکل از سه اصل مهم «تصور فعل»، «ایجاد شوق» و «فعلیت اراده» است. تصور تمام مبادی افعال اخلاقی از مرتبه خیالی نفس صادر می‌شود. سه عامل اصلی که در انحراف و فاسد کردن ادراکات و تحریکات مرتبه خیالی نفس، تأثیر بسزایی دارد، «دنیا»، «شیطان» و «هوای نفس» است، و سه عامل اصلی در تهذیب مرتبه خیالی نفس، «تفکر دائم و اصولی»، «مراقبه همیشگی و تمام‌بندی» و «فعلیت دادن مراتب نظری و عملی عقل» است (مهدی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴). با قوه خیال، انسان می‌تواند خود را جای دیگران بگذارد و درد و رنج آنها را حس کند.

نویسنده کتاب *حدیث آرزومندی* مقاله‌ای با عنوان «تخیل آری، توهم نه» دارد و بر این باور است که «ما از تخیل خود، نه برای گریختن از جهان، که برای پیوستن به آن بهره می‌جوییم». مقصود از «توهم» فعل یا حالت کسی است که به حکم انگیزشی ناآگاهانه و برای اجتناب از رویارویی با واقعیت‌های دردناک‌تر یا نامطبوع، به آنچه خوش دارد، نسبت واقیبت می‌دهد. مقصود از «توهم» عقیده یا انتظاری است که مبتنی بر آرزوها، و مقصود از «تخیل» فعل یا فرایندی است که آدمی بتواند با ویژگی‌های خاص خود و در وضعیتی که قرار دارد، خود را به جای دیگری قرار دهد که با ویژگی‌هایی دیگر و در وضعیتی دیگر قرار دارد و بتواند به احساسات و عواطف او نزدیک شود و کنش و واکنش‌های او را بهتر فهم کند. (ر.ک: ملکیان، ۱۴۰۱، ص ۱۴۹).

اما در جهت مخالف، غالب خشونت‌ها، شکنجه‌ها، عذاب‌ها و کشتارها آنگاه رخ می‌دهد که قدرتمندان نمی‌توانند خود را به جای دیگری بگذارند و احساس هم‌ذات‌پنداری با شهروندان کنند.

این مسئله که به‌طور ویژه درباره یکی از جنایتکاران جنگ جهانی دوم به نام *آدولف آیشمان* بررسی شده است. وی از افسران ارتش نازی بود که بعد از جنگ محاکمه و در سال ۱۹۶۲ اعدام شد. این تحقیق تأکید دارد که او دارای نیروی فکری لازم برای سنجش ابعاد انسانی جنایات خود نبود و فرد از نظر روانی و به علت فقدان قدرت تخیل نمی‌توانست مجسم کند که چه بلایی بر سر قربانیانش می‌آورد و آنان چه رنجی می‌کشند. اگر او از چنین نیرویی بهره می‌برد، می‌توانست نزد خویش، در عالم ذهن، به ابعاد انسانی و اخلاقی آن تبهکاری‌ها واقیبت بدهد. این‌گونه افراد هرگز زحمت آشنایی با آن خویش‌درونی را به خود نداده‌اند (فولادوند، ۱۳۸۵).

آنگاه که این مهم در سرشت حاکمان و کارگزاران دولت نباشد، سر از خشونت و قتل در می‌آورد. *آیت‌الله خامنه‌ای* به این نکته اشاره می‌کند که وجود دروغ، فریب، قتل و به وجود آمدن فجایع انسانی در

جوامع، به خاطر فقدان شفقت در بین زمامداران و حاکمان است. وقتی زمامداران کشورها از رحم و شفقت و منطق و صداقت بیگانه باشند چه فجایی ممکن است برای جامعه‌ی انسانیت پیش بیاید! (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۰۵/۲۶).

در اندیشه اسلامی، شفقت به دیگران خودخواهی را از انسان دور می‌کند و به سوی دگردوستی سوق می‌دهد که بخشی از آن به سبب فعال بودن قوه خیال است. امام صادق علیه السلام ضمن بیان حقوق برادران دینی نسبت به یکدیگر، نکاتی را مطرح می‌کنند که هر یک از آنها می‌تواند مصداقی از شفقت و دوری از خودمحوری به شمار آید: یکی آن است که مسلمانان باید بکوشند تا دل‌های خود را به یکدیگر نزدیک سازند: «الْأَجْتِهَادُ فِي التَّوَأُّصْلِ». دیگری همکاری به همراه محبت است: «وَالتَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ» و اینکه آنان نسبت به نیازمندان، غمخواری و یاریگری داشته باشند: «وَوَالْمُؤَاَسَاةَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ»، و بعضی بر بعضی دیگر عاطفه و محبت بورزند: «وَوَالتَّعَاطُفَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ».

سپس امام علیه السلام می‌فرماید: همه این امور برای آن است تا آن‌گونه باشید که خداوند به شما دستور داده است: «حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۴). این روایت به روشنی مصداق مهربانی در عرصه سیاسی - اجتماعی و میان مسلمانان را بیان می‌کند و «اینکه در قرآن کریم می‌فرماید: «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ یعنی با یکدیگر مهربانند. همه باید نسبت به همدیگر باشفقت باشند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۰۹/۳۰).

در بیانی دیگر، رهبر معظم انقلاب با اشاره به روایات شفقت و عطوفت می‌گوید:

در روایات ما وارد است که مؤمنین با یکدیگر تراحم و تعاطف دارند؛ یعنی به هم رحم می‌کنند و عطوفت می‌ورزند. این یک وظیفه اخلاقی است و این امر در پیشرفت و بنای اجتماعی ما تأثیر دارد. وقتی که در دل مردم نسبت به یکدیگر ترحم و عطوفت و حسن ظن و محبت هست، فضای جامعه فضای بهشت می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۱/۱۶).

۴-۱. شفقت و اصل زرین اخلاقی

در ادامه بند قبل، بخشی از زوایای رهایی از خودمحوری را می‌توان در اصل زرین اخلاقی یافت که تلاشی تمام‌عیار برای رسیدن به شفقت و مهربانی به هم‌نوعان و دور شدن از خودمحوری است. در این باره حضرت محمد صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام کلامی جاودان دارد: «یا علی، مَا كَرِهْتَهُ لِنَفْسِكَ فَكَرِهْ لِغَيْرِكَ وَ مَا أَحْبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَأَحْبِبْهُ لِأَخِيكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۶۸)؛ علی جان! هر چه را برای خودت خوش نداری، برای دیگری نیز خوش ندار، و هر چه را برای خودت دوست داشته باش. حضرت علی علیه السلام رفتار برآمده از این قاعده طلایی را معیاری برای روابط انسان با دیگران معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَا تَنْظِلْهُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُنْظَلَ وَ أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۲۳)؛ به دیگران ستم نکن؛ همان‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، و نیکی کن چنان‌که دوست داری به تو نیکی شود.

حضور این ارزش‌ها و آموزه‌های اخلاقی در روابط سیاسی و نوع رفتاری که کارگزاران دولتی با شهروندان می‌توانند انجام دهند، می‌تواند گره‌های چندی را از حاکمیت سیاسی بگشاید. ورود این مهم به عرصه سیاسی به تولید اصل زرین «شفقت سیاسی» می‌انجامد و می‌تواند تحولی شگرف در روابط سیاسی به وجود آورد.

۲. کارکردهای شفقت سیاسی در جامعه اسلامی

آنگاه که در جامعه اسلامی شفقت حاکم شود، کارکردهای گوناگونی برای حاکمیت و شهروندان به همراه می‌آورد که هر کدام می‌تواند گره برخی از مشکلات را بگشاید. از این رو این فضیلت همواره مورد سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بزرگان دین بوده است.

از امام صادق علیه السلام نقل است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وقتی توسط جبرئیل خبردار شدند که مرگشان نزدیک است، در آخرین خطابه خود بر دلسوزی حاکم بر جامعه اسلامی و مسلمانان تأکید کردند و فرمودند: «أَذْكُرُ اللَّهَ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي إِلَّا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶)؛ به والی و حاکم امت پس از خود، خدا را به یاد می‌آورم که حتماً بر جامعه اسلامی دلسوز باشد. در ادامه، آن حضرت سفارش فرمودند که حاکم باید بزرگان آنان را تکریم کند، بر ضعیفان دلسوز و مهربان باشد، عالم آنان را احترام کند و به آنان آسیبی نرساند که خوار گردند.

در *اخلاق ناصری*، فصلی به نام «فضیلت محبت که ارتباط اجتماعات بدان صورت بندد و اقسام آن» وجود دارد (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۶) و از محبت حاکم به مردم به «محبت ابوی» تعبیر می‌کند و می‌نویسد:

مراد از این سبب آن است که ملک با رعیت در شفقت و تحنن و تعهد و تلافی و تربیت و تعطف و طلب مصالح و دفع مکاره و جذب خیر و منع شر، به پدران مشفق اقتدا کند (همان، ص ۲۲۷).

ایشان «شفقت» را یکی از انواع تحت جنس عدالت نام می‌برد (همان، ص ۷۹). این امر برای جامعه اسلامی کارکردهای گوناگونی به همراه می‌آورد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۲-۱. همدلی و همدردی سیاسی

یکی از کارکردهای شفقت، همدردی و همدلی با دیگران است که از سفارش‌های جدی در اخلاق سیاسی اسلام است. در *کنوز الحکمه* آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید: اصل همه کارها در دین، شفقت است: «التَّعْظِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ الشَّفَقَةُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ» (ژندهپیل، ۱۳۸۷، ص ۳۳۹). بنابراین وظیفه دولت اسلامی است تا با برنامه‌ریزی دقیق در جهت کاهش رنج شهروندان گام بردارد. انسان مشفق، همدل و همدرد دیگران می‌شود. «وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و در نظام ولایت، باید تعاطف، همدلی و همکاری باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷)؛ آن‌سان که همکاری، همدردی، دلسوزی و محبت متقابل بین مسلمان‌ها یکی از کارهای بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۰۷/۲۷).

اینکه انسان درد دیگران را درد خود انگارد و با بی‌احساس از کنار پلشتی‌ها و ستم‌های سیاسی و اجتماعی گذر نکند، مرحله‌ای مهم از رحمت سیاسی - اجتماعی است. از منظر اخلاق سیاسی اسلام، دولتمردان باید علاوه بر تنظیم امور براساس الزام‌های فقهی - قانونی، خود را اخلاقاً ملزم سازند تا در برابر فقر، فساد، تبعیض، معضلات اجتماعی، شکم‌های گرسنه، چشم‌های اشکبار و جگرهای سوزان، خواب راحت نداشته باشند. در این باور، زمامدار سود شخصی خود را نمی‌بیند، بلکه همه جامعه اسلامی یک پیکر می‌شود؛ آن‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَى» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷۶)؛ مثل مؤمنان در دوستی و مهربانی و عاطفه به یکدیگر، مثل پیکر است که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، دیگر اعضای پیکر با بی‌خوابی و تب، با آن عضو همدردی می‌کنند.

و چه زیباست این عبارت / *ابوالحسن خرقانی*:

اگر از ترکستان تا بدر شام، کسی را خاری در انگشت شود، آن از آن من است، و همچنین از ترک تا شام کسی را قدم در سنگ آید، زبان آن مراست و اگر اندوهی در دلی است آن دل از آن من است (عطار، ۱۳۶۰، ص ۵۶۳).

به تعبیر یکی از نویسندگان معاصر، «همدلی» یعنی اینکه من چقدر می‌توانم خودم را جای شما قرار بدهم و «همدردی» یعنی اینکه من چقدر می‌توانم درد و رنج شما را در خودم بازسازی کنم (ر.ک: ملکیان، ۱۴۰۱، ص ۵). یکی از راهکارها برای افزایش همدردی و همدلی سیاسی آن است که حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی سطح زندگی خود را با پایین‌ترین اقشار جامعه هماهنگ کنند و ساده‌زیستی را برگزینند. قدرتمند آنگاه که بتواند از پیامد تصمیم‌ها و دیدگاه‌های خود در زندگی مردم تصویری داشته باشد، می‌تواند رنج آنان را رنج خود بداند و شادی آنان را شادی خود.

در *کیمیای سعادت* می‌خوانیم:

خوف آخرت و شفقت بر خلق از درگاه‌های بهشت است و بدین بود که یوسف ﷺ را گفتند که خزانه روی زمین تو داری، گرسنه چرا باشی؟ گفت: «ترسم که اگر سیر شوم، درویشان گرسنه را فراموش کنم» (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۲).

امیرمؤمنان علی ﷺ به کارگزار خود در بصره، عثمان بن حنیف / *انصاری*، چنین نوشت: «سوگند به خدا که بر دو جامعه کهنه‌ام جامعه‌ای نیفزودم... هیئات که حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، در حالی که در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهای سوخته وجود داشته باشد».

حضرت در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که حاکم باید در سختی‌ها کنار مردم باشد. «آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی، الگوی آنان نگردم؟» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۵).

در همین زمینه حضرت بیانی صریح دارند مبنی بر اینکه «خدواند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که زندگی خود را در سطح مردم ضعیف و تهیدست قرار دهند، تا فقر مستمندان آنان را دچار اندوهی هلاکت‌بار نسازد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ قَرَضَ عَلَىٰ أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (همان، خطبه ۲۰۹). آنگاه که شهروندان این روحیه را در عمل کارگزاران دولت اسلامی مشاهده کنند و بدانند که حاکمان نیز همانند آنان زندگی می‌کنند، احساس همراهی و همدلی در جامعه فراگیر می‌شود و تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. همدردی و دغدغه‌مندی حاکم و کارگزاران در نظام اسلامی نسبت به مشکلات مردم، گاه همراه با احساس شرمندگی است:

بنده خودم وقتی که به فکر این جوان بیکار می‌افتم [شرمنده می‌شوم] شرمندگی بنده حقیق از ملاحظه این آمار و مطالعه این حقیقت، از شرمندگی آن جوانی که بیکار می‌رود خانه و دستش چیزی نیست، بیشتر است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۰۳/۱۶).

نکته قابل یادآوری آن است که همدلی دستوری نیست و با صرف گفتار به دست نمی‌آید. حاکمان در کردار، رفتار و همه برنامه‌های خود، باید این فضیلت را در دستور کار داشته باشند. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید:

همدلی یک چیز زورکی و دستوری نیست که کسی دستور بدهد که مردم، همدلی کنید! همدلی مثل یک نهال و بوته گل است. باید نهال را نشانند در زمین، بعد از آن مراقبت کرد، آن را آبیاری کرد، از لطمه زدن به آن باید جلوگیری کرد تا این همدلی رشد کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۰۱/۲۰).

نسبت به رقبای، منتقدان و مخالفان سیاسی نیز باید چنین حسی وجود داشته باشد تا شرایط محبت و همکاری در جامعه افزایش یابد. ایشان پیشرفت کشور را در عرصه‌های گوناگون مرهون روحیه همدلی بین مسئولان و همدلی ملت با مسئولان می‌داند. از نظر مقام معظم رهبری همدلی مهم‌ترین سلاح برای از بین بردن تهدیدهاست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۲/۴).

۲-۲. جذب حداکثری

خدای متعال پیامبرش را مظهر شفقت معرفی می‌کند و اگر مردم بر گرد ایشان حضور حداکثری و مشتاقانه دارند به سبب رحمت الهی و مهربانی آن حضرت است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرمخو و پُرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

پیامبر اکرم ﷺ در هنگام نزول این آیه، حاکم مدینه بودند و رویکرد محبت‌آمیز ایشان موجب گردید تا دل‌های بسیاری از مردم با ایشان همراه گردد. البته آنگاه که در اوج قدرت و عزت فاتحانه وارد مکه شدند نیز این راهبرد را فراموش نکردند و در مقابل کسانی که فریاد انتقام برآوردند، ایشان بشارت دادند که «الیوم، یوم المرحمة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۱۰۹). در نتیجه مهر و شفقت ایشان، در کوتاه مدت، بسیاری از مردم به ایشان ایمان آوردند و اسلام از مرزهای حجاز فراتر رفت. این امر دل بسیاری از مردمان را نسبت به اسلام و ایشان نرم کرد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در حکمتی می‌فرماید: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۷)؛ دل‌های انسان‌ها وحشی و از یکدیگر بیگانه است. هر کس محبت ورزد، به او روی کند و با او انس گیرند.

امام علیه السلام در کلامی دیگر فرمودند: «مَنْ لَانَ عُوْدَهُ كَثَفَتْ اَعْصَانَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۱۳)؛ هر کس چوبش نرم باشد (کنایه از آنکه مهر ورزد)، شاخه و بر او بسیار گردد. یعنی: دوستان و یاران بسیاری گرد او جمع می‌شوند. در کنار این سخنان، این جمله حکیمانه نیز هست که «الانسان عبد الاحسان» (همان، ح ۲۶۳)؛ مردم بنده نیکی و محبت‌اند.

در *مصباح الشریعه*، امام صادق علیه السلام یکی از اصول هفتگانه معامله با مردم را «شفقت» معرفی می‌کنند (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۶).

قلانسی نسفی (ف ۵۰۰ ق) در کتاب *ارشاد در معرفت و وعظ و اخلاق* می‌نویسد:

و حقوقی آن بود که آنچه گوید از سر شفقت گوید و بر وجهی گوید که آن کس را پذیرفتن آسان تر بود، چه مولی - عزوجل - موسی و هارون علیهم السلام را بر فرعون فرستاد و چنین فرمود که مرو را سخن نرم گوید تا مگر بپذیرد (قلانسی نسفی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹).

شفقت به شهروندان دل آنان را با نظام سیاسی همراه می‌کند و آنان می‌پذیرند که برای رسیدن به اهداف، مشکلات بسیاری را تحمل کنند. این کار که اکثریت مردم را مجذوب حاکمیت می‌کند، یابوری بزرگ برای حرکت در جهت اهداف عالی نظام اسلامی است. ناظر به ظرفیت شفقت است که رهبر انقلاب بر این باور است که اگر کسی می‌خواهد اثرگذار باشد و دیگران را جذب خود کند، راهش این است که دل‌ها را به هم نزدیک کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳).

در کلامی دیگر ایشان یکی از جلوه‌های شفقت را یادآور می‌شود که خوش‌رویی و خوش‌برخوردی سبب جلب محبت افراد و تألیف قلوب می‌گردد و اینکه اخلاق خوش موجب می‌شود که افراد به دین و اسلام خوش‌بین شده، به آن جذب شوند (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۸/۱۰/۲۷).

۲-۳. عفو و کینه‌زدایی

یکی از کارکردهای شفقت حاکمان نسبت به شهروندان و یا شهروندان نسبت به فرمانروایان، گذشت و ریشه‌کن شدن کینه‌ها و عقده‌های سیاسی - اجتماعی است. آنگاه که افراد در عرصه سیاسی نسبت به یکدیگر دلسوز و ناصح باشند و خیر یکدیگر را بخواهند، طبعاً همین منجر به از خودگذشتگی می‌شود و کینه‌ها را می‌زداید.

در جنگ احد، خطاهایی از برخی مسلمانان سر زد و موجب بسیاری مشکلات و شکست سپاه اسلام گردید. با این‌همه، خدای متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹)، پس آنان را ببخش و برایشان آمرزش بخواه.

جالب آنکه این دستور پس از بیان رحمت الهی است که پیامبر نسبت به مردم، نرم و مهربان گردید: «فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْتِ» (آل عمران: ۱۵۹). حال که رسول خدا ﷺ لطف و شفقت دارد، پس از خطای مؤمنان درگذرد و حتی بالاتر، برای آنان آمرزش بطلبد. خدای متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «كُنْزُ الْعَفْوَ وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرَاضٍ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹)؛ گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب. درست است که خطاب مستقیم آیه به حضرت محمد ﷺ است و به ایشان دستور عفو می‌دهد، اما شامل همه افراد جامعه و البته حاکمان می‌شود که به مهر و شفقت از خطای دیگران درگذرند.

محقق سبزواری می‌نویسد: در بعضی اخبار آمده است که از حضرت رسول ﷺ در تفسیر این آیه سؤال کردند، حضرت فرمودند: «تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطَى مَنْ حَرَمَكَ وَ تَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷)؛ یعنی:

هر که به بی‌رحمی از تو بریده شود و به نامهربانی رشته محبت تو گسسته گرداند، تو از راه شفقت و لطف بدو پیوندی، و هر که تو را از خیر و عطای خود محروم گرداند، تو به آنچه مقدر باشد به او عطا کنی، و هر که به تو جفا کند، او را ببخشایی (محقق سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۳۰۴).

در آیاتی از قرآن کریم واژه «صفح» به کار رفته است. برای نمونه خداوند می‌فرماید: «فَأَصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر: ۸۵). در لغت آمده است که «صفح» رساتر از «عفو» است و در «صفح»، فرد علاوه بر بخشش، ملامت و سرزنش را نیز ترک می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۶) و به دنبال انتقام و اذیت خطاکار نیست. در نگاهی بالاتر، «صفح» به معنای اعراض و ترک نیست، بلکه بر ادامه توجه و لطف ضمنی نیز دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۲۴۶). این کار که برخاسته از شفقت و مهربانی است، موجب می‌شود تا همدلی و از خودگذشتگی در جامعه فراگیر شود.

از این رو امیرمؤمنان ﷺ خطاب به مالک/اشر سفارش می‌کنند که اگر لغزشی از رعیت سر زد، به عمد یا خطا، آنان را ببخش: «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

با توجه به ظرفیت بالای این فضیلت بود که پیامبر اکرم ﷺ توانستند جامعه‌ای پرمهر پدید آورند.

آن بزرگوار تا آنجا که حضور داشت و در سعه وجودش بود، نمی‌گذاشت که در جامعه اسلامی مسلمان‌ها نسبت به کسی بغض و کینه و عداوت داشته باشند. پیامبر با حکمت و حلم خود، حقیقتاً یک محیط شیرین و سالم و فضای آغشته به محبت را به وجود می‌آورد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸).

ویژگی و سطح دیگر شفقت سیاسی که در پی خود، عفو و گذشت از خطای شهروندان می‌آورد، براندازی کینه‌ها و گشودن گره‌ها و عقده‌هاست. با توجه به این موضوع، حضرت علی ﷺ می‌فرمایند: «از مردم گره هر کینه‌ای را بگشای و از دل بیرون کن و رشته هر عداوت را بگسل» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

با گذشت، کینه‌ها از میان می‌رود؛ کینه‌هایی که سبب فتنه و آشوب می‌گردد. با توجه به این مهم آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد آنگاه که در دل افراد، با انگیزه‌های سیاسی یا شخصی، کینه، بددلی و سوءظن وجود داشته

باشد، فضای جامعه فضایی تاریک و تلخ می‌شود. باید با یکدیگر همکاری کنیم و نسبت به هم گذشت داشته باشیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۱/۱۶).

۲-۴. افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی

یکی از کارکردهای شفقت به مردم، افزایش اعتماد سیاسی و سرمایه اجتماعی است. وقتی شهروندان احساس کنند که کارگزاران نظام اسلامی دغدغه زندگی و حل مشکلات ایشان را دارند و برای رفع کاستی‌ها برنامه‌ریزی می‌نمایند و مانند آنان زندگی می‌کنند و تافته‌ای جدا بافته نیستند، اعتمادشان به نظام سیاسی افزایش می‌یابد و در کاستی‌ها و کمبودها با آنان همراهی می‌کنند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره نکته‌ای راهگشا بیان می‌کنند که اگر افزایش اعتماد و حسن ظن مردم به حاکم به علت نیکی و محبت اوست، «بهترین چیزی که حسن ظن والی را نسبت به رعیتش سبب می‌شود، نیکی کردن والی در حق رعیت و کاستن از بار رنج آنان است». ایشان در ادامه تأکید می‌کنند که حاکم باید نسبت به رعیت حسن ظن داشته باشد؛ زیرا حسن ظن رنج بسیاری را از او دور می‌سازد و سپس به ملازمه میان حسن ظن و احسان می‌پردازند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

می‌توان ادعا کرد که مهربانی و روحیه همدلانه زمامداران و حاکمان به شهروندان از مهم‌ترین ابزارها برای جلب اعتماد و مشارکت عمومی در جامعه است و به‌کارگیری هوشمندانه آن، دل‌بستگی بیش از پیش مردم به نظام سیاسی را همراه دارد. به بیان *آیت‌الله خامنه‌ای* نظام اسلامی از خود مردم تشکیل یافته، متکی به آحاد مردم و به ایمان، محبت و عواطف مردم است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۴/۹).

شفقت، دلسوزی و اعتماد عمومی مردم به نظام سیاسی از نکات مهمی است که مقام معظم رهبری در شرایط متعدد به آن پرداخته است. ایشان «اعتماد مردم» را بزرگ‌ترین سرمایه دولت (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۰/۶/۶) می‌داند و بر این باور است که «در مقابل افکار عمومی بایستی با تواضع، با دلسوزی، با محبت وارد شد و با افکار عمومی تفاهم کرد تا بتوانیم اعتماد افکار عمومی را جلب کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۴/۶).

در این رویکرد، اقتدار و قدرت زمانی مقدس است که با مهربانی و مهرورزی نسبت به مردم همراه باشد و در خدمت مردم به کار رود. کارگزاران به مردم مهربانی کنند و برای آنان همچون برادرانی مهربان و خدمتگزارانی صمیمی برای آرامش‌بخشی ظاهر شوند (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۰۴/۲۶). با توجه به این رویکرد تعالی‌بخش، رهبر انقلاب تصریح می‌کند که باید فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی و حسن ظن قرار داد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۶/۲۹). آنگاه که قدرت و پشتیبانی از مردم برای آسایش، حسن ظن و آرامش فکری آنان باشد، اعتماد به مجموعه نظام سیاسی افزایش می‌یابد.

یکی از کارکردهای شفقت نسبت به شهروندان، سعه صدر و شکیبایی در امور و مسائل سیاسی - اجتماعی است. از جمله عوامل مهم گشادگی سینه و شکیبایی نسبت به مردم، شفقت و مهربانی کارگزاران است. آنان با این ویژگی در برابر نامالایمات، تندی‌ها و حتی انتقادهای نامنصفانه شهروندان صبر پیشه می‌کنند و صبورانه برای بهبود امور جامعه می‌کوشند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام به بردباری فرمانروایان در برابر نیازهای مردم امر می‌کنند: «وَأَصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ، فَإِنَّكُمْ خَزَائِنُ الرَّعِيَةِ وَوَكَلَاءُ الْأُمَّةِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۱)؛ و در برآوردن نیازهای آنان شکیبایی ورزید؛ زیرا شما گنجوران رعیت و نمایندگان امت هستید.

صبر بر نیازها و خواسته‌های مردم آنگاه عملی می‌شود که کارگزاران نسبت به آنان دلسوز باشند. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْفَعْ بِأَيْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ به بهترین شیوه دفع کن تا آن کس که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل گردد. در این آیه خدای متعال به تعامل نیک با دیگران اشاره می‌کند و اینکه شفقت با دیگران، دشمن را هم دوست صمیمی می‌گرداند.

در آیه بعد، نکته‌ای جالب طرح می‌شود که این امر بافضیلت را تنها کسانی به چنگ می‌آورند که شکیبایی پیشه کنند. کسی که سعه صدر نداشته باشد، نمی‌تواند با دیگران گفت‌وگو و تعامل مثبت برقرار کند: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا لُقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت: ۳۵)؛ جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند به این مقام نمی‌رسند و جز کسانی که بهره‌عظیمی از ایمان و تقوا دارند به آن نائل نمی‌گردند.

براساس اندیشه اسلامی، مؤمنان برادر یکدیگرند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰). همان‌گونه که برادران با هم مهربانند، مؤمنان نیز باید چنین باشند؛ همچنان که سعه صدر نسبت به دیگران مؤمن یا غیرمؤمن را شامل می‌شود. «فَأَنَّهُمْ صِنْفَانٌ؛ إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳)؛ مردم یکی از دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند، یا انسانی همانند تو.

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد که دولتمردان باید برای شنیدن نقد، سینه گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۶/۱۶) و ضمن اشاره به بایستگی رفتار عادلانه با مردم، به سعه صدر چنین اشاره می‌کند که ممکن است کارگزاری دیدگاهی را قبول نداشته باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۰/۸/۲)، اما باید تحمل کند.

ایشان با توجه به بایستگی بردباری و دوری از تکبر و تفرعن، به برخورد نادرست جوانی با مالک/اشرار اشاره می‌کند که مالک را نمی‌شناخت و وقتی که از جایگاه ایشان باخبر شد، او و اطرافیانش دوان دوان آمدند، عذرخواهی کردند. دیدند مالک به مسجد رفته، مشغول نماز است. رفتند عذرخواهی کردند. مالک/اشرار گفت: من آمدم مسجد

برای اینکه نماز بخوانم، دعا کنم که خدای متعال خطای این جوان را ببخشد! ایشان سپس بیان می‌کند که این کار به علت دلسوزی، حلم و بزرگواری است (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۳/۹/۶).

ایشان در بیانی دیگر، روایتی تاریخی از رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که عرب بیابانگردی خدمت پیامبر رسید. با آنکه حضرت به ایشان کمک کرد، باز اظهار ناراضی کرد. اصحاب ناراحت شدند؛ اما پیامبر ایشان را به منزل بردند و بازم چیزهایی به او دادند. آن مرد در مقابل احسان و حلم پیامبر شرمند شد. سپس به میان اصحاب آمد و به ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت. بعد که آن مرد جلسه را ترک کرد، حضرت رو به اصحاب کردند و فرمودند:

مَثَل این اعرابی، مَثَل آن ناقه‌ای است که از گله‌ای که چوپانی آن را می‌چراند، رمیده و جدا شده باشد و سر گذاشته، به بیابان می‌دود. شما دوستان من، برای اینکه این ستر را بگیرید و او را به من برگردانید، حمله می‌کنید و از اطراف، دنبال او می‌دوید. این حرکت شما، رمیدگی او را بیشتر می‌کند و دستیابی به او را دشوارتر خواهد کرد. من نگذاشتم شما او را بیشتر از آنچه که رمیده بود، از جمع ما برمانید. با محبت و نوازش، دنبال او رفتیم و به گله و جمع خودمان برگرداندیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۶/۲۸).

به واقع حضرت، شفیق و مهربان است و از این رو صبورانه با مردم رفتار می‌کند و آنان را مجذوب می‌سازد.

۲-۶. افزایش خیرخواهی سیاسی شهروندان

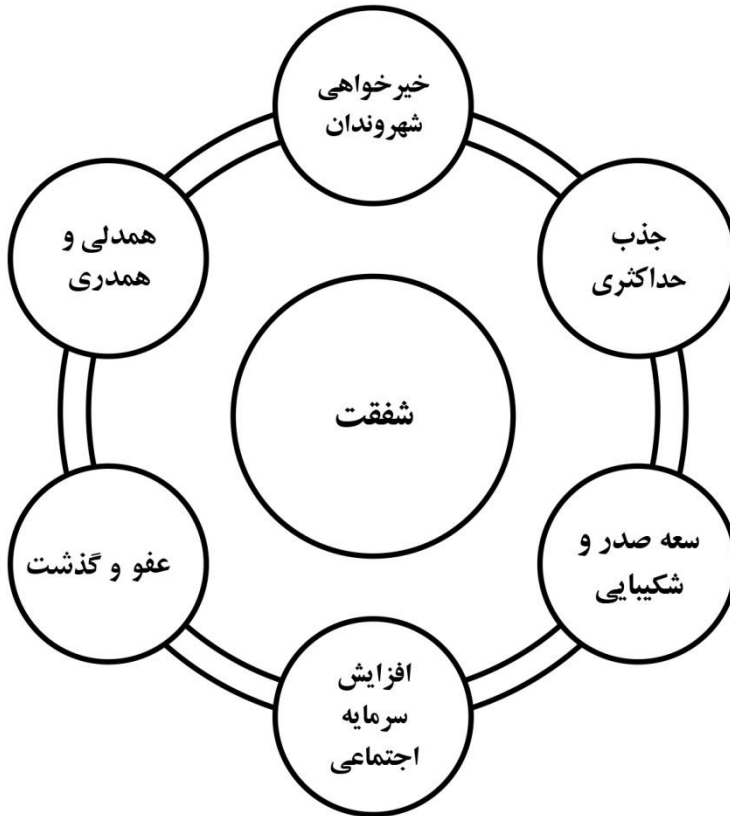
یکی از کارکردهای شفقت به شهروندان، افزایش خیرخواهی و همکاری همدلانه آنان با حکومت است. در این روند مردم، حکومت و صلاح آن را خیر و صلاح خود می‌دانند و می‌کوشند تا با ارائه دیدگاه مشفقانه و نقدهای منصفانه به پیشرفت امور یاری رسانند؛ همچنان که به مشارکت آنان در همه امور سیاسی - اجتماعی نیز می‌انجامد. از این نظرگاه، امیرمؤمنان علی علیه السلام در برخورد با مردم اصیل سفارش می‌کنند که باید به کارهای آنان همان‌گونه پرداخت که پدر و مادر به فرزند خویش می‌پردازند و لطف و احسان فرمانروایان در حق این افراد - هرچند کوچک باشد - نباید در نظر، اندک جلوه کند؛ زیرا این لطف سبب می‌شود که آنان نصیحت خود را از حاکمان دریغ نکنند و به فرمانداران حسن ظن یابند (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

در کلام حضرت، خیرخواهی برای حاکم ناشی از مهر و محبت ایشان به مردم تلقی شده است. نصیحت و انتقاد منصفانه و ارائه راه، گاه وابسته به محبتی است که کارگزاران در حق مردم انجام می‌دهند؛ همچنان که نقد و نصیحت دولتمردان نیز باید مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب محبت بین مردم و مسئولان دوسویه است و از مسئولان می‌خواهد که همواره به مردم با محبت و مهربانی پاسخ دهند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۲/۶). در بیانی دیگر ایشان تأکید دارد که نظام اسلامی نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۵/۲۳). با

حاکمیت این نگرش در تعاملات قدرت، شهروندان، نصیحت، خیرخواهی و انتقاد خود را آزادانه و دلسوزانه بیان می‌کنند. اما اگر مردم از سوی حاکمیت، محبت و دوستی نبینند، از آن کناره گرفته، حاکمان را با مشکلات و کاستی‌های خود تنها می‌گذارند.

تصویر ۱: کارکردهای شفقت سیاسی در جامعه اسلامی



نتیجه‌گیری

شفقت با مردم از اصول اساسی در نظام اخلاق سیاسی اسلام است و موجب همدلی با جامعه و احساس مسئولیت در برابر جامعه می‌شود. از جمله ویژگی‌های شفقت، کاهش رنج دیگران، کمک به شکوفایی آنان، ایجاد حساسیت نسبت به نیازهای دیگران، ایجاد همدردی، و تحت تأثیر قرار گرفتن و هماهنگی عاطفی با احساسات و ناراحتی‌های دیگران است.

در مبانی نظری اخلاق سیاسی اسلام و به پیروی از آن، رهبر انقلاب اسلامی، توجه به مردم، حفظ کرامت آنان، دغدغه‌مندی نسبت به دشواری‌های شهروندان، همدلی و همبستگی، دارای جایگاهی والاست.

شفقت بر رابطه صمیمی حکومت و شهروندان می‌افزاید. دادگری و ارتباط صمیمی و قلبی میان حکومت و شهروندان، از برترین تکیه‌گاه‌های مدیریتی در نظام سیاسی است. با شفقت، این رابطه استوار می‌شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمودند: «وَإِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

در اخلاق سیاسی، برترین نیکی‌ها، همدلی، همیاری، مواسات و شفقت با دیگران معرفی شده است. با این روحیه، همه اجزا و پیکره جامعه اسلامی، اعم از شهریاران و شهروندان، در فرایندی همبسته به یاری هم می‌شتابند و برای حل مشکلات یکدیگر، پیوند اخلاقی، اجتماعی و سیاسی می‌یابند. حاکمان از قدرت خویش بهره می‌گیرند تا تعلق اجتماعی و شفقت میان شهروندان و حاکمیت ژرف گردد و قدرت ابزاری شود تا منافع همگان تأمین گردد. مردم نیز با توجه با روحیه همبستگی، می‌کوشند تا به نظام سیاسی یاری رسانند. مردم و حاکمیت با روحیه همدلی، به کمک یکدیگر می‌شتابند.

آنگاه که کارگزاری مهربان باشد، در گفتار و رفتار خود به دیگران آسیب نمی‌رساند و مردم در فضایی آرام، انرژی مثبت و آرامش را تجربه می‌کنند. حضور هریک از این امور می‌تواند تغییراتی اساسی و البته رو به جلو و مثبت در فرایند اعمال قدرت ایجاد کند و جامعه و شهروندان را به سوی اخلاقی شدن، پویایی بخشد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- مصباح الشریعة، ۱۴۰۰ق، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هب‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارالصادر.
- اصلانی، سعید و حسین اسکندری، ۱۳۹۷، «مروری بر اهمیت شفقت‌ورزی در امنیت جامعه»، *رویش روان‌شناسی*، ش ۳۲، ص ۳۴۱-۳۵۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و اقشار مختلف مردم، در: Khamenei.ir.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه.
- ژنده‌پیل، احمد بن ابوالحسن، ۱۳۸۷، *کنوز الحکمة*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری آملی، عمادالدین، ۱۳۸۳ق، *بشارة المصطفی لشیعة المرتضی*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریه.
- طوسی، نصیرالدین، ۱۴۱۳ق، *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه اسلامی.
- عطار، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۰، *تذکرة الاولیاء*، تصحیح محمد استعلامی، تهران، زوار.
- غزالی، محمد بن محمد، ۱۳۸۳، *کیمیای سعادت*، تهران، علمی و فرهنگی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- فولادوند، عزت‌الله، ۱۳۸۵، «مفهوم شر در فلسفه هانا آرنست متن کامل سخنرانی در شب هانا آرنست»، *بخارا*، ش ۵۸، ص ۲۷-۴۶.
- قالنسی نسفی، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۵، *ارشاد در معرفت و وعظ و اخلاق*، تصحیح و تعلیق عارف نوشاهی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- کنعمی عاملی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۵ق، *جنته الأمان الواقیة و جنته الایمان الباقیة*، قم، دار الرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محقق سبزواری، محمدباقر، ۱۳۸۳، *روضه الأنوار عباسی* (در اخلاق و شیوه کشورداری)؛ تحقیق و تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۹۹، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملکیان، مصطفی، ۱۴۰۱، *حدیث آرزومندی*، تهران، نگاه معاصر.
- مهدی‌پور، محمدحسن، ۱۳۹۵، *نقش و جایگاه قوه خیال در تهذیب اخلاق*، قم، دانشگاه معارف.
- ورزنه، جابر و همکاران، ۱۳۹۷، «آثار تربیتی شفقت در حوزه فردی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ش ۸، ص ۹۹-۱۲۰.

Gilbert, P., 2009, *The Compassionate Mind*, Constable, London, UK.

Neff, K., 2011, *Self-Compassion: The Proven Power of Being Kind to Yourself*, William Morrow, New York.

Saulsman, L., Campbell, B., & Sng, A., 2017, *Building Self-Compassion: From Self-Criticism to Self-Kindness*, Perth, Western Australia, Centre for Clinical Interventions.